

ذره بین

نجات از سقوط



**شهروند |** یک کودک که در حال سقوط از تراس طبقه پنجم یک آپارتمان در قم بود، با تلاش آتش‌نشانان از مرگ نجات یافت.

ساعت ۱۱ صبح سه‌شنبه در پی اعلام خبر کودکی در حال سقوط از تراس طبقه پنجم یک آپارتمان در منطقه بلوار پانزده خرداد قم، بلافاصله نیروهای عملیاتی آتش‌نشانی به محل حادثه اعزام شدند. بررسی‌ها نشان می‌داد والدین این کودک بیرون از خانه رفته بودند و این کودک پنج‌ساله تنها در خانه خواب بوده است. وقتی از خواب بیدار می‌شود، وارد تراس خانه شده و از حفاظ نرده تراس به طرف خیابان می‌ایستد. با اعلام این حادثه بلافاصله نیروهای عملیاتی آتش‌نشانی به محل اعزام شدند و با پهن کردن تشک نجات اقدامات ایمنی را فراهم کرده و به وسیله نردبان نجات کودک خردسال بدون کوچک‌ترین آسیبی و با ایمن‌ترین شیوه از طبقه پنجم به پایین پرت شد.

بازداشت جوان خشن آبادانی

**شهروند |** پسر جوان آبادانی نزدیک بود کودک همسایه را با موتورسیکلت زیر بگردد و در همان لحظه با پدر کودک در گیر شد و مرد همسایه را به‌شدت تکت زد. در پی اعلام وقوع یک درگیری ساعت ۱۰ صبح چهارشنبه گذشته در منطقه سیکلین آبادان بلافاصله مأموران کلانتری ۱۶ امیرکبیر به محل اعزام شدند. مردی میانسال ضمن مراجعه به مأموران اعلام کرد که پسر جوان همسایه سوار بر موتورسیکلت با سرعتی بسیار بالا در حال عبور بود که ناگهان کنترلش را از دست داد و نزدیک بود با فرزندم که در حال بازی کردن در کوچه بود، تصادف کند. من از پسر همسایه خواستم تا داخل کوچه آرام‌تر تردد کند که او بلافاصله به من حمله‌ور شد و به نظر می‌رسید که حالت عادی نداشت. مرد آبادانی ادامه داد: «پسر جوان ناگهان با مشیت به صورت تم کوبید که همسایه‌ها ما را جدا کردند و با پلیس تماس گرفتیم. جلوی در خانه منتظر پلیس بودم که باز پسر همسایه با یک میله به من حمله‌ور شد. به داخل خانه فرار کردم و پسر جوان به حیاط خانه‌مان وارد شد و تمام شیشه‌های خانه را با میله شکست.» این جوان خشن با حضور در کلانتری و تشکیل پرونده در اختیار مسئولان قضائی قرار گرفت.

بازداشت ضارب وکیل محیط زیست

**شهروند |** ضارب محمد داسمه، وکیل مدافع محیط‌زیست در شهرستان بهبهان استان خوزستان دستگیر شد. در پی اقدام ضرب و جرح محمد داسمه وکیل دادگستری در بهبهان، مأموران پلیس اطلاعات این فرماندهی، با بررسی دقیق مستندات وقوع جرم و بسا انجام تحقیقات لازم، هویت عامل آن شرارت را شناسایی کرده و تلاش همه‌جانبه جهت دستگیری آن شرور متواری‌شده را آغاز کردند. با رصد شبانه‌روزی محل‌های احتمالی اختفای متهم، سحرگاه سه‌شنبه، این متهم شرور پس از هماهنگی با مقام قضائی، در عملیاتی ضربتی و غافلگیرانه در مخفیگاهش دستگیر شد. متهم دستگیرشده دارای سوابق شرارت، چاقوکشی، درگیری و دیگر جرایم خشن است. متهم در بازجویی‌ها انگیزه خود را اختلاف شخصی با شاکی اعلام کرد.

متهم به مرجع قضائی معرفی و از آن طریق روانه زندان شد. محمد داسمه یکی از وکلای دادگستری است که بیشتر شهرتش را به واسطه فعالیت در حوزه پرونده‌های مرتبط با محیط‌زیست به دست آورده است. او در پرونده‌های زیادی نظیر ویلاسازی و اجرای طرح گردشگری غیرمجاز در منطقه حفاظت‌شده خائیز، پروژه گردشگری آشوراده و زمین‌خواری‌های تنگ تکاب به‌عنوان وکیل از حقوق عامه مردم دفاع کرده است.

بسیاری از داروهای مورد استفاده بدون نسخه از جمله داروی ضد سرفه، سرماخوردگی، آنفلوآنزا و زکام باعث گیجی ناخواسته می‌شوند که ممکن است رانندگی را با مشکل روبه رو کند.

مرگ ۳ کارگر در آتش‌سوزی کارگاه ضایعاتی در تهران

سه کارگر در پی حریق در یک کارگاه جمع‌آوری ضایعات در جنوب تهران جان باختند. در پی اعلام خبر آتش‌سوزی مرگبار در یک کارگاه جمع‌آوری ضایعات در منطقه مجیدآباد کهریزک در حوالی ساعت ۲۰ و ۳۰ دقیقه شامگاه دوشنبه عوامل پلیس به محل اعزام شدند. مأموران انتظامی پس از حضور در محل حادثه و هماهنگی لازم به منظور حضور اورژانس و عوامل آتش‌نشانی، به تحقیق دربار این حادثه پرداختند که بررسی اولیه‌نشان داد محل استراحت کارگران در کارگاه مذکور طعمه حریق شده و تعدادی کارگر در میان شعله‌های آتش محبوس شده‌اند. در این حادثه سه کارگر جوان بر اثر شدت سوختگی جان باخته و چهار کارگر جوان دیگر نیز دچار سوختگی درجه یک تا سه‌شده که به‌سرعت به مراکز درمانی انتقال یافتند. سرهنگ سعید آقایی رئیس مرکز فرماندهی و کنترل پلیس پیشگیری تهران با اعلام این خبر گفت: علت وقوع حادثه مرگبار توسط کارشناسان آتش‌نشانی در دست بررسی است. صاحب این کارگاه به‌دستور مقام قضائی بازداشت شد.

## گوش تیز راز سارقان رافاش کرد



**شهروند |** پسر زنگ اصفهانی دست دو برادر سارق را رو کرد؛ برادرانی که پس از خالی کردن خانه‌های غرب پایتخت به اصفهان رفتند و در آنجا به تبهکاری‌های خود ادامه دادند. پسر جوان نیز با مشکوک‌شدن به دو همسایه جدیدش، فالگوش ایستاد و همین مسأله باعث شد تا آنان لو بروند. پس از دستگیری دو سارق در اصفهان مشخص شد که آنان دزدان خانه‌های غرب پایتخت هستند. بنابراین دو متهم دستگیرشده برای تحقیقات بیشتر به دادسرای ویژه سرقت تهران منتقل شده و در مقابل بازپرس جزئیات سرقت‌های میلیونی‌شان رافاش کردند.

اوایل اسفند سال گذشته بود که پرونده سرقت از خانه‌ها پیش روی پلیس غرب پایتخت قرار گرفت. در این سرقت‌ها دزدان با شکستن قفل در باز طریق بالکن وارد خانه‌ها می‌شدند و پول و طلا سرقت می‌کردند. سارقان کارشان را کاملاً حرفه‌ای انجام می‌دادند و در هیچ‌کدام از سرقت‌ها هیچ ردی از خود به جانی گذاشتند. سارقان در یکی از سرقت‌هایشان ۷۵۰ میلیون تومان پول و طلا و جواهرات دزدیده بودند. در حالی که تحقیقات در خصوص این پرونده همچنان ادامه داشت، تیم تجسس به مورد مشابهی در تمام سرقت‌ها پی برده مالباختگانی که برای شکایت به پلیس مراجعه کردند، همگی درباره شب سرقت اعلام کردند که پیش از ورود به خانه و سر کوجه‌شان با ایست بازرسی مواجه شده بودند. مالباختگان پس از مشاهده ایست بازرسی خودروی خود را متوقف کرده و دو مأمور بالباس شخصی آنان را بازرسی می‌کردند و بعد از آن به خانه رفته و با صحنه سرقت مواجه می‌شدند. بنابر این مأموران به این نتیجه رسیدند که ایست بازرسی نمایشی بوده و احتمالاً دزدان نقش مأمور را بازی می‌کردند تا همدست‌شان به راحتی سرقت‌هایشان را انجام دهد.

تجسس‌ها در خصوص دستگیری متهمان ادامه داشت اما حرفه‌ای‌بودن آنان باعث شده بود که روند تحقیقات به‌کندی پیش برود تا اینکه در نهایت پسر اصفهانی دست این گروه سازمان‌یافته را رو کرد. پسر اصفهانی چند وقتی می‌شد به دو برادر مرموز که به تازگی همسایه آنان شده بودند، مشکوک شده بود؛ برای همین تصمیم گرفت این دو برادر را زیر نظر بگیرد. او یک شب در حیاط فالگوش ایستاد. وقتی دو برادر از بیرون به خانه برمی‌گشتند از سرقت جدیدشان در همان

محله حرف می‌زدند. همین باعث شد که پسر جوان دو برادر را به پلیس لو بدهد و آنان نیز از سوی مأموران اصفهان دستگیر شدند. وقتی این دوسارق تحت‌بازجویی قرار گرفتند، به سرقت خانه‌ها اعتراف کردند. اما ایسن پایان ماجرا نبود. تحقیقات بیشتر نشان داد که دو برادر سارق خانه‌های غرب پایتخت نیز بوده‌اند که بعد از سرقت‌های سریالی از خانه‌های آنجا به اصفهان آمده و دوباره سرقت‌هایشان را شروع کرده بودند. بنابر این بخشی از پرونده که مربوط به سرقت خانه‌های تهران می‌شد، به دادسرای ویژه سرقت پایتخت فرستاده شد. دو برادر دستگیرشده صبح دیروز پیش روی قاضی میثم حسین‌پور، دادیار دادسرای ویژه سرقت، قرار گرفتند و جزئیات سرقت‌های‌شان را روایت کردند: «از چند وقت پیش سرقت در غرب تهران را شروع کردیم. با پول دزدی یک خانه ویلایی در کرج و یک خودروی ماکسیما خریدیم. وقتی پول‌مان تمام شد، برای انجام سرقت‌های جدید راهی اصفهان شدیم. اما کفرش رانمی‌کردیم که لو برویم.»

برادر بزرگ‌تر که چهل‌ویک ساله است، در توضیح بیشتر ماجرا گفت: «در زندان بومد که نقشه‌دستبرد به خانه‌ها را کشیدم؛ به اتهام سرقت دستگیر شده بودم. در زندان با هم‌سلولی‌ام نقشه سرقت را کشیدیم. وقتی آزاد شدم، برادرم را هم وارد این بازی کردم. او سارق نبود اما من از او خواستم در سرقت‌ها همراه من و هم‌بندی‌ام باشد. او هم قبول کرد؛ اول خانه‌ها را شناسایی می‌کردیم، بعد من و برادرم سر کوچه می‌ایستادیم و نقش مأمور را بازی می‌کردیم. هر خودرویی را که می‌خواست وارد کوچه شود، متوقف می‌کردیم. مالباخته رانمی‌شناختیم ولی احتمال می‌دادیم یکی از آنها باشد. برای همین کمی خودرو را معطل می‌کردیم تا همدست‌مان به راحتی سرقت را انجام دهد. وقتی او از خانه بیرون می‌آمد، با هم فرار می‌کردیم. بعد از آن هم طلا و جواهرات سرقتی را باطلای جدیدی که فاکتور داشت، تعویض می‌کردیم. این کار را من انجام می‌دادم. با همسرم و همسر برادرم به شیراز می‌رفتیم و آنجا طلاها را تعویض می‌کردیم. وقتی یک‌بار پول‌مان تمام شد، به اصفهان رفتیم. تازه آنجا کارمان را شروع کرده بودیم که دستگیر شدیم. الان هم از هم‌سلولی‌ام خبر ندارم و نمی‌دانم که کجاست.»

با اعتراف متهمان آنها روانه زندان شدند و به‌دستور بازپرس تحقیقات برای دستگیری متهم‌فراری این پرونده آغاز شد.

**شهروند |** از قتل پسر بیست‌وچهارساله پس از ۲۴ ساعت فاش شد. قاتل، پدر این پسر بود که در بازجویی‌های دادسرای جنایی تهران اعتراف کرد پسرش را به دلیل اعتیاد به قتل رسانده است. صبح دوشنبه قاضی رحیم دشتبان، بازپرس جنایی تهران در جریان یک جنایت قرار گرفت. جنایتی که در جای دیگری رخ داده بود، ولی جسد مقتول را در بیابان حوالی بلوار خلیج‌فارس رها کرده بودند. قاضی جنایی با حضور در محل تحقیقات را آغاز کرد. بررسی‌ها نشان می‌داد که پیکر بی‌جان ۲۴ سال دارد و با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده است. از آنجایی که قربانی هیچ مدرکی همراه نداشت، هویت مقتول نامشخص بود. این درحالی بود که معاینات تیم پزشکی هم نشان می‌داد ۹ ساعت از زمان مرگ پسر جوان می‌گذرد. درحالی‌که هیچ سرنخی از قاتل و مقتول نبود یکی از ماموران کلانتری خلیج فارس بالای سر جسد حاضر شد و او را شناخت. پرونده درگیری او با پدرش دوروز پیش در کلانتری به ثبت رسیده بود. براین اساس، هویت این پسر شناسایی شد و ماموران خود را به محل زندگی او رساندند.

همه چیز در آن خانه و محله آرام به نظر می‌رسید. اما کارآگاهان با معمای پیچیده‌ای روبه‌رو شدند. ادعاهای ضد و نقیض خانواده و اعتیاد شدیدی پسر جوان به شیشه‌سبب شد تا انگشت اتهام به سمت خانواده این پسر برود. مادرش می‌گفت که چند روز قبل با پسرمان درگیر شدیم و او من و پدرش را حسابی زد. کار به شکایت و شکایت‌کنشی رسید. رفتم کلانتری اما بالاخره رضایت دادم. عصر یکشنبه بود که همسرم به همراه پسرمان از خانه بیرون رفت، اما تنها برگشت. با لباس خونی. تصور می‌کردم پسرم پیش دوستانش است و برمی‌گردد، اما هیچ خبری نشد تا اینکه متوجه شدیم او به قتل رسیده است.

## معمای قتل پسر شیشه‌ای در بیابان‌های جنوب پایتخت



همین ادعاها کافی بود تا قاضی جنایی دستور بازداشت پدر خانواده را به‌عنوان مظنون اصلی در این جنایت صادر کند. او یک ساعت پس از کشف جسد بازداشت شد، اما اصرار داشت که بی‌گناه است تا اینکه صبح سه‌شنبه برای انجام تحقیق از اداره آگاهی تهران به شعبه دهم بازپرسی دادسرای امورجنایی تهران منتقل شد و در بازجویی چند ساعته قفل سکوت را شکست و به قتل پسرش اقرار کرد.

مدام با پسرش بر سر مواد و اعتیاد درگیر بود، اما در آخرین درگیری یک لحظه کنترلش را از دست داد و پسرش را با چاقو به قتل رساند. او در خیابان جان پسرش را گرفت و در بیابان رهایش کرد. می‌گوید که نمی‌خواست کار به اینجا برسد، اما همه چیز در یک لحظه اتفاق افتاد.

«پسر من از سه‌سال پیش معتاد به شیشه‌شد. بعد از مدتی ما متوجه شدیم و خیلی تلاش کردیم تا ترک کند، اما فایده نداشت. او همیشه با من، همسرم و برادرهایش درگیر بود و ما را تهدید به قتل می‌کرد. آن روز پس از اینکه از کلانتری آمدیم و شکایت‌مان را پس گرفتیم به خانه آمد. یک میلیون تومان می‌خواست برای تهیه مواد. آن روز حال خوبی نداشت. فکر می‌کنم به‌شدت به مواد نیاز داشت. معمولاً سر به‌ش نمی‌گذاشتیم، اما خسته شده بودم. ۷۰۰ هزار تومان بیشتر نداشتیم. می‌گفت بقیه‌اش را باید جور کنی. گفتم بریم بیرون تا از شوهرخاله ات بگیریم. راه افتادیم به سمت خانه باجناقم. وقتی در مسیر گفتم بی خیال بقیه پول شو حالش بدتر شد. چاقویی از جیبش بیرون آورد. حالت عادی نداشت و یک ضربه به خودش زد. من هم که به شدت عصبانی بودم چاقو را از او گرفتم و چند ضربه دیگر به او زدم. او خون‌آلود در بیابان افتاد و من از ترسم به خانه فرار کردم تا صبح دوشنبه که جسد پیدا شد.



زیر کمرش را عوض کنیم، خرج بچه‌ها هم هست. همین خورد و خوراک‌شان کلی می‌شود. پسر هم که دیگر نمی‌تواند کار کند. من هم یک زن دست‌تنها هستم. تازه همسرم هم از کار افتاده است؛ واقعاً نیاز به کمک داریم.»

حالا خانواده ۶ نفره خوار گرد روزهای سختی را سپری می‌کند. محمد مرد این خانواده که پس از آن تصادف حرف‌زدن برایش مشکل شده، به هر دری می‌زند تا شاید بتواند کاری برای همسر و بچه‌هایش انجام دهد. تلاش می‌کند، اما روزی‌اش کم است. جایی به‌او کار نمی‌دهند؛ حتی به‌عنوان یک نیروی خدماتی ساده. محمد در مانده و مستأصل تنها چشم‌امیدش به سازمان‌ها و نهادهایی است که به‌او و امثال او کمک می‌کنند؛ از بهزیستی و کمیته امداد گرفته تا آستان قدس رضوی.